

۳-۲. پیوند کمک و سیاست خارجی

این ایده که کمک خارجی، دست کم یکی از ابزارهای عمده در خدمت اهداف سیاست خارجی کشورهای کمک‌دهنده است، مورد تأیید عموم صاحب نظران مسائل اقتصاد سیاسی بین‌الملل است (لارسون و اسکیدمور، ۱۳۸۳؛ بالام و وست، ۱۳۹۷؛ کوهن، ۱۳۹۲). به همین منظور، ایالات متحده کمک خارجی خود را عمدتاً با هدف تثبیت نظم جهانی و پیشبرد منافعش ارائه کرده است. این کمک‌ها در اساس بخشی از راهبرد گسترده‌تر ایالات متحده در خلال جنگ سرد و در دوران جدیدتر بخشی از راهبرد کلان آن در مبارزه با تروریسم بوده است. رویکرد واشنگتن در این مسیر ایجاد روابط حامی - پیرو با کشورهای دریافت‌کننده کمک، استفاده از کمک برای ایجاد ائتلاف و ترویج برنامه‌های آزادسازی اقتصادی و سیاسی در دیگر کشورها بوده است (Kilby, 2018: 3).

سیاست کمک خارجی آمریکا در چهارچوب پارادایم‌های مختلف ضد دولت‌گرایی، حمایت از راه‌حل‌های نئولیبرال و ایجاد ائتلاف‌های نسبتاً کوتاه مدت استوار شده است. برنامه کمک خارجی ایالات متحده همچنین با نظارت شدید کنگره اجرایی می‌شود؛ نهادی که در تجربه عملکردش درباره مزایای راهبردی کمک‌های خارجی برای آمریکا دچار تردید بوده است. کنگره آمریکا بر خلاف چین، کمک خارجی را به‌عنوان ابزاری برای خرید نفوذ تلقی نمی‌کند. به همین خاطر از نظر واشنگتن، کمک خارجی، تاکتیکی کوتاه مدت در دستیابی به اهدافی همچون حمایت از ائتلاف‌های امنیتی، جلب رأی در شورای امنیت، حفاظت از اسرائیل در خاورمیانه یا ترویج سرمایه داری بازاری و در نتیجه ایجاد فرصت‌های جدید برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی این کشور به جای تسهیل مستقیم آن است (Kilby, 2018: 31).

چین برخلاف ایالات متحده، کمک خارجی را در یک نگاه بلندمدت‌تر به‌عنوان ابزاری در تقویت موقعیت و نقشش در جهان می‌نگرد. چین در چهارچوب این نگاه در دهه ۱۹۶۰، از کمک خارجی برای برقراری روابط با دولت‌های تازه استقلال یافته در آفریقا بهره گرفت. رأی این کشورها در به‌دست آوردن کرسی